Strategic Management & Futures Studies
Vol. 9, No. 1, Spring & Summer 2026
pp. 113-136

Publisher: Toloue Mehr University
http://journal.tolouemehr.ac.ir/
http//doi.org/10.22034/jsmf.2026.609437.1171

Educational Futures Studies from the Perspective of the Holy Qur'an and Its Alignment with the Fundamental Transformation Document of Education

Article Type:
Research Article

Seyyed Mohammad Fatemifar[1•]
Corresponding Author, B.Sc. Student in Social Studies Education, Shahidan-e Paknejad Campus, Farhangian University, Tehran, Iran.
Email: s.m.fatemifar83@gmail.com

Hamid Mortazavi[2]
Department of Educational Management, Farhangian University, PO Box 889-14665, Tehran, Iran.
Email: H.mortazavii@cfu.ac.ir

Received: July 16, 2026
Revised: August 12, 2026
Accepted: September 7, 2026
Available Online: September 11, 2026

Abstract

This article aims to elucidate educational futures studies from the perspective of the Holy Qur'an and to align it with the Fundamental Transformation Document of Education. The central research question is how a conceptual framework for educational foresight can be extracted from Qur'anic teachings and then evaluated against the orientations and educational domains of the Fundamental Transformation Document. The units of analysis include the Holy Qur'an, the Fundamental Transformation Document, authoritative exegeses, and related scholarly articles. In the Qur'anic section, 2,470 verses related to the existential structure of the human being and the full text of the Transformation Document were examined. The research method is descriptive-analytical with a comparative approach and qualitative content analysis. The findings indicate that futures studies in the Qur'an rests on four main pillars: the uncertainty of the future within the human horizon, the role of human will and conscious action, the place of hope and prudence, and the sovereignty of divine traditions. In the Transformation Document, official public education is defined as an institution for the realization of the "good life" (ḥayāt-i ṭayyiba). The existential structure of the human being in the Qur'an is capable of alignment with the six educational domains of the Document. Three scenarios—increasing contradiction, redefinition of concepts, and drafting a new document—previously outlined through causal layered analysis were assessed against the epistemological foundations of the Qur'an, and among them, the scenario of redefining concepts with stakeholder participation is more compatible with these foundations. The conclusion is that the Qur'an provides the epistemological and normative underpinning for educational futures studies, while the Fundamental Transformation Document offers the policy and executive formulation of this perspective.

Keywords: Educational domains, Fundamental transformation document, Futures studies, Good Life (Ḥayāt-i Ṭayyiba), Qur'anic Anthropology, Qur'anic Education.

Cite this article: Fatemifar, S. M., & Mortazavi, H. (2026). Educational Futures Studies from the Perspective of the Holy Qur'an and Its Alignment with the Fundamental Transformation Document of Education. *Strategic Management & Futures Studies, 9* (1), 113-136. http//doi.org/10.22034/jsmf.2026.609437.1171

© The Author(s).

Online ISSN: 2821-0069

مدیریت راهبردی و آینده‌پژوهی
دوره ۹، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۵
صفحات ۱۳۶ ـ ۱۱۳

ناشر: دانشگاه طلوع مهر
http:// journal.tolouemehr.ac.ir/
http//doi.org/10.22034/jsmf.2026.609437.1171

آینده‌پژوهی تربیتی از منظر قرآن کریم و تطبیق آن با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

سیدمحمد فاطمی‌فر[۱*]
نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی آموزش علوم اجتماعی، پردیس شهیدان پاکنژاد، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.
رایانامه: s.m.fatemifar83@gmail.com

حمید مرتضوی[۲]
گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹_۱٤٦٦٥ تهران، ایران.
رایانامه:H.mortazavii@cfu.ac.ir

چکیده

مقاله حاضر با هدف تبیین آینده‌پژوهی تربیتی از منظر قرآن کریم و تطبیق آن با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نگاشته شده است. مسئله اصلی پژوهش آن است که چگونه می‌توان از آموزه‌های قرآنی، منظومه‌ای مفهومی برای آینده‌نگری تربیتی استخراج کرد و سپس، این منظومه را با جهت‌گیری‌ها و ساحت‌های تربیتی سند تحول بنیادین سنجید. واحد تحلیل پژوهش شامل قرآن کریم، سند تحول بنیادین، تفاسیر معتبر و مقالات علمی مرتبط است. در بخش قرآنی ۲۴۷۰ آیه مرتبط با ساختار وجودی انسان و متن کامل سند تحول مورد بررسی قرار گرفت. روش پژوهش، توصیفی–تحلیلی با رویکرد تطبیقی و تحلیل محتوای کیفی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که آینده‌پژوهی در قرآن بر چهار پایه اصلی استوار است: عدم قطعیت آینده در افق انسانی، نقش اراده و کنش آگاهانه انسان، جایگاه امید و تدبیر، و حاکمیت سنت‌های الهی. در سند تحول نیز تعلیم و تربیت رسمی عمومی به‌مثابه نهادی برای تحقق حیات طیبه تعریف شده است. ساختار وجودی انسان در قرآن قابلیت انطباق با ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند را دارد. سه سناریوی افزایش تضاد، بازتعریف مفاهیم و تدوین سند جدید که پیش‌تر با روش تحلیل لایه‌ای علّی ترسیم شده بود، با مبانی معرفتی قرآن سنجیده شد و از میان آن‌ها، سناریوی بازتعریف مفاهیم با مشارکت ذی‌نفعان سازگاری بیشتری با این مبانی دارد. نتیجه آنکه قرآن پشتوانه معرفتی و هنجاری آینده‌پژوهی تربیتی است و سند تحول بنیادین صورت‌بندی سیاستی و اجرایی این نگاه را فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی: انسان‌شناسی قرآنی، آینده‌پژوهی، تربیت قرآنی، حیات طیبه، ساحت‌های تربیتی، سند تحول بنیادین.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۴/۲۵
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۵/۲۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۱۶
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۶/۲۰

استناد: فاطمی‌فر، سیدمحمد و مرتضوی، حمید (۱٤۰۵). آینده‌پژوهی تربیتی از منظر قرآن کریم و تطبیق آن با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. *مدیریت راهبردی و آینده‌پژوهی*، ۹ (۱)، ۱۳٦–۱۱۳. http//doi.org/10.22034/jsmf.2026.609437.1171

© نویسندگان.

شاپای الکترونیکی: ۰۰٦۹–۲۸۲۱

مقدمه

آینده‌پژوهی[1] در عرصه تعلیم و تربیت، صرفاً به معنای پیش‌بینی روندهای آتی نیست، بلکه به فهم سازوکارهای شکل‌دهنده آینده، شناسایی امکان‌ها و تهدیدها، و طراحی مسیرهای مطلوب برای رشد انسان و جامعه مربوط می‌شود. در این معنا، آینده‌پژوهی نوعی کنش معرفتی و هنجاری است که هم به شناخت وضعیت موجود و هم به ترسیم افق مطلوب نظر دارد. در متون دینی نیز آینده به‌عنوان عرصه‌ای گشوده، قابل جهت‌دهی و وابسته به کنش آگاهانه انسان تصویر می‌شود؛ به‌گونه‌ای که سنت‌های الهی، اراده انسان و پیامد اعمال، نقش اساسی در ساخت آینده دارند (علویان و حلیمی جلودار، ۱۳۹۳). پژوهش‌های قرآنی نیز نشان می‌دهند که اسلام در ترسیم وضع مطلوب آینده، همواره از وضع موجود بهره می‌گیرد و از رهگذر تقوا، تدبیر و امید، امکان حرکت به سوی آینده مطلوب را فراهم می‌کند.

در افق معرفت دینی، آینده نه تنها صحنه تحقق رویدادهای پیش‌گفته، بلکه میدان تحقق اراده، امتحان، و مسئولیت انسانی است. قرآن کریم با برجسته‌سازی مفهوم «غد»، انسان را متوجه این حقیقت می‌کند که آینده، محصول کنش امروز اوست. چنین نگاهی، آینده‌پژوهی را از سطح یک دانش توصیفی به سطح یک عقلانیت تربیتی ارتقا می‌دهد؛ عقلانیتی که به انسان می‌آموزد چگونه از خلال تجربه گذشته، فهم حال و توجه به سنت‌های الهی، آینده‌ای مطلوب برای خود و جامعه بسازد (علویان و حلیمی جلودار، ۱۳۹۳). در این صورت، تربیت نیز دیگر صرفاً انتقال دانش یا مهارت نیست، بلکه زمینه‌سازی برای حضور مسئولانه انسان در آینده‌ای است که باید آن را با ایمان، تدبیر و عمل صالح شکل دهد.

در حوزه تعلیم و تربیت رسمی کشور نیز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مهم‌ترین متن سیاستی و هنجاری به‌شمار می‌رود که غایت نهایی نظام تربیتی را تحقق حیات طیبه معرفی می‌کند (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). این سند، آموزش و پرورش را نهادی تمدن‌ساز می‌داند و آن را مسئول آماده‌سازی نسل آینده برای مشارکت در ساخت جامعه‌ای متعالی، عادلانه و معنوی می‌شمارد. در سند تحول، تعلیم و تربیت «فرایندی تعالی‌جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه

1. Futures Studies

و مبتنی بر نظام معیار اسلامی» تعریف شده است که هدف آن «هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد» است. این تعریف، خود نشان می‌دهد که سند تحول از همان آغاز، واجد یک نگاه آینده‌نگر است و تربیت را متوجه افق‌های بلندمدت می‌کند.

از سویی، در شرایط پیچیده و پرشتاب امروز، نظام تربیتی نیازمند افقی روشن، مبنایی معرفتی مستحکم و صورت‌بندی‌ای منسجم برای آینده است. اگر آینده‌پژوهی در علوم انسانی متکی بر عقلانیت، تحلیل روند و سناریونویسی باشد، در الهیات اسلامی و قرآن کریم نیز نوعی آینده‌نگری وجود دارد که بر امید، مسئولیت، تدبیر، و آمادگی برای مواجهه با تحولات استوار است. با وجود پژوهش‌های ارزشمند در حوزه سند تحول و نیز مطالعات انسان‌شناسی قرآنی، تاکنون کمتر پژوهشی به تطبیق نظام‌مند ساختار وجودی انسان در قرآن با ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول پرداخته است. پژوهش‌های پیشین عمدتاً به تحلیل محتوای سند یا بررسی موانع اجرایی آن متمرکز بوده‌اند (اخلاقی و همکاران، ۱۳۹۹؛ حسام و بیات، ۱۳۹۷) و از ترسیم نقشه‌ای یکپارچه از انسان قرآنی به‌عنوان مبنای آینده‌پژوهی تربیتی غفلت شده است.

پژوهش حاضر در پی آن است که با اتکا بر منابع معتبر و قابل پیگیری، تصویری منسجم از هم‌پوشانی میان آموزه‌های قرآنی و اهداف سند تحول بنیادین ارائه کند. در این مسیر، سه محور اصلی مدنظر قرار گرفته است: نخست، استخراج مؤلفه‌های آینده‌پژوهی از قرآن و ادبیات دینی؛ دوم، تبیین جایگاه حیات طیبه و ساحت‌های تربیتی در سند تحول بنیادین؛ و سوم، تحلیل تطبیقی نسبت میان انسان‌شناسی قرآنی و ساختار تربیتی سند. پژوهش‌های قبلی نیز مؤید آن‌اند که انسان در قرآن دارای ساختاری چندلایه است و توجه به این ساختار، شرط تحقق تربیت جامع و متوازن در ساحت‌های مختلف است (کیانی و همکاران، ۱۴۰۰). بدین ترتیب، مقاله حاضر می‌کوشد از سطح توصیف فراتر رود و به سوی تفسیر و تطبیق هنجاری حرکت کند.

با توجه به آنچه گفته شد و با توجه به خلأ پژوهشی موجود در زمینهٔ تطبیق نظام‌مند آموزه‌های قرآنی با ساحت‌های تربیتی سند تحول بنیادین، پژوهش حاضر در پی پاسخ به سؤالات زیر است:

- آینده‌پژوهی تربیتی از منظر قرآن کریم بر چه مؤلفه‌ها و مبانی معرفتی استوار است و این مؤلفه‌ها چگونه با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش قابل تطبیق هستند؟

- ساختار وجودی انسان در قرآن چه ویژگی‌هایی دارد و چگونه می‌توان آن را با ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین تطبیق داد؟
- سند تحول بنیادین از منظر گفتمان علم و دین و نیز رویکرد آینده‌پژوهانه چه نسبتی با آموزه‌های قرآنی دارد و آینده این سند در پرتو خوانش قرآنی چگونه قابل ترسیم است؟

مبانی نظری

در ادامه، مبانی نظری پژوهش بیان می‌شود.

مبانی معرفتی آینده‌پژوهی تربیتی در قرآن

آینده‌پژوهی در افق قرآن کریم، صرفاً دانشی برای پیش‌بینی رخدادهای آینده نیست، بلکه رویکردی هدایتی و تربیتی است که انسان را به فهم نسبت خویش با آینده، مسئولیت‌های اخلاقی و امکان‌های پیش‌رِو فرا می‌خواند. در این نگاه، آینده امری بسته و از پیش تعیین‌شده نیست، بلکه عرصه‌ای گشوده است که در آن، اراده انسان، سنت‌های الهی، و کیفیت کنش‌های فردی و اجتماعی نقش تعیین‌کننده دارند. از همین رو، آینده‌پژوهی قرآنی به‌جای تمرکز صرف بر پیش‌بینی، بر تدبیر، عبرت‌آموزی، امید و اصلاح تأکید می‌کند و انسان را به‌سوی ساختن آینده‌ای مطلوب در پرتو ایمان و عمل صالح هدایت می‌کند (علویان و حلیمی جلودار، ۱۳۹۳).

یکی از مبانی معرفتی مهم در این حوزه، انسان‌شناسی قرآنی است. قرآن کریم انسان را موجودی تک‌ساحتی معرفی نمی‌کند، بلکه او را دارای ابعاد گوناگون وجودی می‌داند که عقل، قلب، نفس، فطرت، اراده و استعدادهای متنوع را در بر می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱٤۰۱، ۳۱–۳٤). این چندلایگی وجود انسان، مبنای تربیت جامع و متوازن است؛ زیرا تربیت نمی‌تواند تنها به انتقال دانش یا شکل‌دهی رفتار محدود شود، بلکه باید همه ساحت‌های وجودی انسان را مورد توجه قرار دهد. بر این اساس، آینده‌پژوهی تربیتی در قرآن، آینده را از زاویه «انسانِ آینده» می‌بیند؛ انسانی که باید در همه ابعاد وجودی خود رشد یابد و برای مسئولیت‌های فردی، اجتماعی و معنوی آماده شود. پژوهش‌های پیشین نیز نشان داده‌اند که انسان در قرآن دارای ساختاری چندلایه است و توجه به این ساختار، شرط تحقق تربیت جامع و متوازن در ساحت‌های مختلف است (کیانی و همکاران، ۱٤۰۰؛ قراباغی و طرقی، ۱٤۰٤).

مبنای دیگر، غایت‌شناسی تربیت است. در منطق قرآن، تربیت به‌سوی تحقق «حیات طیبه» جهت‌گیری می‌کند؛ حیات طیبه صورتی از زیست انسانی است که در آن ایمان، آرامش، عدالت، اخلاق، معنویت و عمل صالح در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. این غایت، تربیت را از سطح مهارت‌آموزی و انطباق‌پذیری فراتر می‌برد و آن را به فرایندی برای ساختن انسانِ سعادتمند و متعالی تبدیل می‌کند (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ۸). در نتیجه، آینده‌پژوهی تربیتی در قرآن، آینده‌ای را مطلوب می‌داند که در آن رشد مادی و معنوی، عقلانیت و اخلاق، و آزادی و مسئولیت در تعادل باشند (علویان و حلیمی جلودار، ۱۳۹۳).

از منظر هنجاری، با تحلیل و سنتز مضامین مطرح‌شده در آموزه‌های دینی و پژوهش علویان و حلیمی جلودار (۱۳۹۳) دربارهٔ آینده‌پژوهی از منظر آموزه‌های دینی، می‌توان چند اصل بنیادین را استخراج کرد: نخست، اصل امید؛ قرآن انسان را از یأس و انفعال دور می‌کند و به امکان تغییر و اصلاح فرا می‌خواند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱). این آیه به روشنی نشان می‌دهد که تغییر سرنوشت جامعه، در گرو تغییر درونی افراد است و آینده، امری قابل ساختن و وابسته به اراده و کنش انسان‌هاست. دوم، اصل تدبیر؛ یعنی آینده باید با برنامه‌ریزی، تعقل و سنجش پیامدها ساخته شود. قرآن از مؤمنان می‌خواهد که برای آینده خود اندیشه کنند و از تجربه‌های گذشته درس بگیرند: «وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ» (حشر: ۱۸). سوم، اصل عبرت‌پذیری؛ انسان باید از تجربه‌های تاریخی بیاموزد و خطاهای گذشته را به آینده منتقل نکند. قرآن بارها با بیان داستان‌های اقوام پیشین، انسان را به عبرت‌آموزی دعوت می‌کند: «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ» (حشر: ۲). چهارم، اصل مسئولیت‌پذیری؛ هر فرد و جامعه در برابر آینده خویش مسئول است و نمی‌تواند آن را به عوامل بیرونی واگذارد. قرآن می‌فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» (مدثر: ۳۸). پنجم، اصل اصلاح‌طلبی؛ تربیت قرآنی باید انسان را به‌سوی تغییر مثبت خویشتن و جامعه سوق دهد و او را برای ساختن آینده‌ای بهتر آماده کند. ششم، اصل سنت‌های الهی؛ قرآن کریم تأکید می‌کند که جریان تاریخ و سرنوشت جوامع، تابع قوانین ثابت و تغییرناپذیری است که سنت‌های الهی نامیده می‌شوند. آیه «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (فاطر: ٤٣) نشان می‌دهد که این سنت‌ها قابل تغییر نیستند و انسان با شناخت آن‌ها می‌تواند آینده را بهتر درک کرده

و خود را با اراده الهی هماهنگ کند. البته این سنت‌ها به معنای جبر تاریخی نیستند، بلکه نشان می‌دهند که رفتارهای انسان پیامدهای طبیعی و معین خود را دارند و انسان می‌تواند با شناخت این پیامدها و انتخاب آگاهانه، در چارچوب این سنت‌ها آینده مطلوب خود را بسازد.

این مبانی معرفتی، وقتی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، نشان می‌دهند که آینده‌پژوهی در قرآن یک دانش خنثی و صرفاً تحلیلی نیست، بلکه دانشی هنجارساز و جهت‌دهنده است. چنین دانشی، آینده را نه به‌عنوان امری صرفاً محتمل، بلکه به‌عنوان امری مطلوب، مسئولانه و قابل ساختن می‌فهمد. بنابراین، تربیت آینده‌محور در نگاه قرآنی، تربیتی است که انسان را برای فهم افق‌های پیش‌رو، تشخیص اولویت‌ها، و انتخاب کنش‌های اخلاقی و خردمندانه آماده می‌کند.

در این چارچوب، نسبت مبانی قرآنی با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز آشکار می‌شود. سند تحول، هنگامی که غایت تربیت را حیات طیبه معرفی می‌کند، در واقع همان جهت‌گیری غایی قرآن را در سطح سیاست‌گذاری آموزشی بازتاب می‌دهد. همچنین، تأکید سند بر تربیت تمام‌ساحتی، بازنمایی انسان‌شناسی قرآنی در قالبی نهادی و آموزشی است. بررسی‌های انجام‌شده در حوزه گفتمان علم و دین در سند تحول نیز نشان می‌دهد که این سند برخلاف زبان علم، از واژگان نشان‌دار و استعاره‌های ارزشی استفاده کرده است که آن را به گفتمان دینی نزدیک‌تر می‌کند (سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۷). از این منظر، سند تحول بنیادین را می‌توان صورت اجرایی و نهادیِ آینده‌پژوهی تربیتی قرآنی دانست؛ صورتی که تلاش می‌کند مبانی معرفتی وحیانی را به زبان برنامه، هدف، ساحت و راهبرد آموزشی ترجمه کند.

انسان‌شناسی قرآنی و نسبت آن با ساختار تربیتی سند تحول

یکی از محورهای کلیدی این پژوهش، نسبت میان ساختار وجودی انسان در قرآن و نظام تربیتی سند تحول بنیادین است. پژوهش کیانی و همکاران (۱٤۰۰) نشان می‌دهد که انسان در قرآن دارای ساختاری وجودی با چهار لایه اصلی است: صدر، شِغاف، قلب و فؤاد. هر یک از این لایه‌ها دارای حالات، قوا، نهایت و غایت خاص خود هستند که در مجموع، نقشه‌ای جامع از ساختار وجودی انسان ارائه می‌دهند. در این میان، قلب به‌عنوان محور اصلی ساختار وجودی انسان در قرآن شناخته شده است.

بر اساس پژوهش‌های انجام گرفته، لایه صدر شامل حالات فرح، حزن، شرح و ضیق است و قوای رجائیه و خوفیه در آن قرار دارند. نهایت این لایه، نفس مسوله و نفس لوّامه است و غایت آن، تسلیم، اسلام و مسلم شدن انسان می‌باشد. لایه شِغاف شامل حب، بغض، تولی و تبری است و قوای شهویه و غضبیه در آن جای دارند. نهایت این لایه، نفس مزینه و نفس اماره است و غایت آن، تأنیس، انسان و مونس شدن است. لایه قلب شامل کفر و ایمان، شک و یقین، ربط و رعب، قلب سلیم و مریض است و قوای عقلیه و فکریه در آن قرار دارند. نهایت آن، نفس مُلهمه (عاقله) و غایت آن، تعقل، تفکر، ایمان، ایقان، مؤمن و موقن است. لایه فؤاد نیز شامل حق و باطل، فراغت و اشغال/هواء، رؤیت و اعمی است و قوای ذکریه و لبایه در آن جای دارند. نهایت آن، نفس مطمئنه و غایت آن، تذکر، ایقاظ، موقظ، احسان و محسن است (کیانی و همکاران، ۱٤۰۰).

این ساختار چندلایه، نشان می‌دهد که انسان در قرآن دارای ابعاد عاطفی، ارادی، شناختی و معنوی است که همگی باید در فرایند تربیت مورد توجه قرار گیرند. پژوهش مذکور نشان داده است که ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول (اعتقادی-عبادی-اخلاقی، اجتماعی-سیاسی، زیستی-بدنی، زیبایی‌شناختی-هنری، اقتصادی-حرفه‌ای، و علمی-فناوری) با این لایه‌های وجودی انسان قابل تطبیق هستند و تحقق هر ساحت تربیتی، وابسته به تعالی، توسعه و رشد متربیان در ساختارهای وجودی مرتبط با آن است. برای مثال، ساحت تربیت اعتقادی-عبادی-اخلاقی با لایه قلب و فؤاد ارتباط مستقیم دارد و تحقق آن در گرو تقویت ایمان، یقین، تفکر و ذکر است. هدف سند تحول در این ساحت که «ایجاد باور عمیق به اصول دین و پایبندی به ارزش‌های الهی» است، دقیقاً با غایت لایه قلب (ایمان و یقین) و لایه فؤاد (تذکر و احسان) همخوانی دارد (قراباغی و طرقی، ۱٤۰٤). ساحت تربیت اجتماعی-سیاسی با لایه شِغاف و حالات حب، بغض، تولی و تبری پیوند دارد و هدف «تقویت روحیه ظلم‌ستیزی و ولایت‌پذیری» در سند، با حالت تولی و تبری در این لایه هماهنگ است. ساحت تربیت علمی-فناوری با قوای عقلیه، فکریه، ذکریه و لبایه در لایه‌های قلب و فؤاد مرتبط است. ساحت تربیت زیستی-بدنی با مفهوم قلب سلیم و مریض و سلامت روان و جسم پیوند دارد. ساحت تربیت زیبایی‌شناختی-هنری با لایه صدر و حالات شرح و ضیق و قوه خیال مرتبط است. ساحت تربیت اقتصادی-حرفه‌ای نیز با مفاهیمی چون خسران، بیع و زکات در قرآن و نیازهای مادی و معنوی انسان پیوند می‌خورد (کیانی و همکاران، ۱٤۰۰).

این تطبیق نشان می‌دهد که قرآن کریم نه تنها پشتوانه هنجاری، بلکه نقشه‌ای عینی و کاربردی برای تربیت تمام‌ساحتی انسان ارائه می‌دهد. سند تحول بنیادین نیز با الهام از این نگاه، ساحت‌های شش‌گانه را به‌عنوان ابعاد تربیت متوازن و جامع ترسیم کرده است. این تطبیق با یافته‌های پژوهش‌های پیشین نیز همسو است که نشان داده‌اند سند تحول بنیادین در مواجهه با علم و دین، از واژگان نشان‌دار و استعاره‌های ارزشی استفاده کرده و گفتمان علمی را در چارچوب گفتمان دینی بازتعریف نموده است (سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۷). این امر نشان می‌دهد که سند تحول نه تنها از نظر ساختاری، بلکه از نظر گفتمانی نیز با انسان‌شناسی قرآنی هماهنگ است. از این منظر، آینده‌پژوهی تربیتی قرآنی در سطح انسان‌شناسی، به طراحی تربیتی‌ای می‌انجامد که متربی را برای زیست متعالی در آینده آماده می‌کند.

حیات طیبه و ساحت‌های تربیتی در سند تحول بنیادین

فصل اول سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، هدف نهایی نظام تعلیم و تربیت را تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد معرفی می‌کند و تعلیم و تربیت رسمی عمومی را نهادی می‌داند که باید زمینه شکوفایی استعدادها و دستیابی متربیان به مراتب بالاتر زندگی را فراهم کند. در سند تحول، حیات طیبه به‌عنوان «وضع مطلوب زندگی بشر بر اساس نظام معیار ربوبی» تعریف شده است که تحقق آن باعث دستیابی به غایت زندگی یعنی قرب الی الله می‌شود. پژوهش‌های پیشین نیز نشان داده‌اند که مفهوم حیات طیبه در سند تحول، برگرفته از آیه شریفه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل: ۹۷) است و به‌عنوان هدف غایی نظام تعلیم و تربیت، تمامی اهداف جزئی و ساحت‌های تربیتی را جهت‌دهی می‌کند (کیانی و همکاران، ۱٤۰۰). مراد از «نظام معیار ربوبی»، مجموعه ارزش‌ها، اصول و هنجارهای برگرفته از قرآن و سنت است که مبنای تشخیص سعادت و کمال انسان را تشکیل می‌دهند. این نظام معیار، جهت‌دهنده تمامی اهداف، راهبردها و ساحت‌های تربیتی سند تحول است و تضمین می‌کند که تربیت در مسیر الهی خود باقی بماند و از انحراف به سمت اهداف صرفاً دنیوی یا سکولار مصون باشد.

مفهوم حیات طیبه در سند، صورتی از زندگی است که در آن ایمان، عدالت، عقلانیت، اخلاق، و مشارکت مسئولانه در اجتماع در کنار هم قرار می‌گیرند. از این رو، حیات طیبه را باید مفهومی

جامع و چندبعدی دانست که با آینده‌پژوهی تربیتی هم‌افق است. آینده‌پژوهی در این چارچوب، کمک می‌کند تا سند تحول نه به‌عنوان متنی ایستا، بلکه به‌عنوان نقشه‌ای پویا برای ساخت آینده‌ای مطلوب خوانده شود (عظیمی و قاسمی، ۱٤۰٤؛ میرزائی فتح‌آبادی و همکاران، ۱٤۰٤). به بیان دیگر، اگر حیات طیبه غایت است، آینده‌پژوهی ابزار فهم و طراحی مسیر رسیدن به آن است.

در همین راستا، سند تحول از طریق ساحت‌های شش‌گانه تربیتی می‌کوشد غایت حیات طیبه را به برنامه تربیتی ترجمه کند. این ساحت‌ها عبارت‌اند از: ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی که ناظر بر باورهای دینی، مناسک عبادی و فضایل اخلاقی است و متربی را به موحدسازی و تعمیق ایمان هدایت می‌کند؛ ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی که متربیان را برای مشارکت فعال و آگاهانه در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و تحقق عدالت و مسئولیت‌پذیری آماده می‌کند؛ ساحت تربیت زیستی و بدنی که به حفظ سلامت جسمی و روانی، تغذیه سالم، ورزش و پیشگیری از رفتارهای پرخطر می‌پردازد؛ ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری که به پرورش ذوق، احساسات، تخیل و توانایی خلق و درک زیبایی می‌پردازد؛ ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای که متربیان را برای فعالیت اقتصادی سالم، کارآفرینی و تدبیر معاش بر اساس اصول اخلاقی و دینی آماده می‌کند؛ و ساحت تربیت علمی و فناوری که به کسب دانش، توسعه فناوری و بهره‌گیری از دستاوردهای بشری با نگاه ارزش‌مدار و مسئولانه می‌پردازد. (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ٦–۷؛ مبانی نظری تحول بنیادین درنظام تعلیم وتربیت رسمی عمومی ج‌ا‌ا، ۱۳۹۰، ۱۵۷–۱۵۸).

این ساحت‌ها در عمل نشان می‌دهند که تربیت اسلامی، تنها به تربیت دینیِ صرف محدود نیست، بلکه زیست بدنی، علمی، فناوری، هنری، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را نیز دربرمی‌گیرد (مبانی نظری تحول بنیادین درنظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی ج‌ا‌ا، ۱۳۹۰، صص. ۱٥٤–۱٥۸). برای مثال، ساحت علمی–فناوری، نوجوان را برای آینده‌ای که در آن علم و فناوری نقش محوری دارد، آماده می‌کند؛ اما این آمادگی صرفاً فنی نیست، بلکه همراه با نگاه ارزش‌مدار و مسئولانه نسبت به کاربرد علم و تصرف در طبیعت است (مبانی نظری تحول بنیادین درنظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی ج‌ا‌ا، ۱۳۹۰، ۳۰۹–۳۱۰). ساحت اجتماعی–سیاسی نیز نوجوان را برای حضور مسئولانه در عرصه‌های عمومی و مشارکت در ساختن آینده جامعه، توانمند می‌کند (مبانی نظری تحول بنیادین

درنظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی ج‌ا‌ا، ۱۳۹۰، ۳۰۲). به این ترتیب، هر ساحت، بُعدی از آینده‌نگری تربیتی را به‌دوش می‌کشد. از همین رو، آینده‌پژوهی تربیتی در این سند، به معنای پیوند میان غایت معنوی و الزامات عینی رشد انسانی است؛ پیوندی که بدون آن، حیات طیبه به مفهومی انتزاعی و غیر قابل اجرا تبدیل می‌شود. شایان ذکر است که پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه تحلیل گفتمان سند تحول نشان داده‌اند که این سند در معرفی آرمان‌ها، اهداف و ساحت‌های تربیتی، از واژگان نشان‌دار و استعاره‌های ارزشی استفاده کرده است که آن را از زبان علم صرف به گفتمانی دینی–ارزشی نزدیک‌تر می‌کند (سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۷). این امر نشان می‌دهد که ساحت‌های شش‌گانه نه تنها اهداف آموزشی، بلکه جهت‌گیری‌های ارزشی و هنجاری نظام تربیتی را نیز بازتاب می‌دهند.

گفتمان علم و دین در سند تحول و نسبت آن با آینده‌پژوهی

پژوهش سپیدنامه و همکاران (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که در سند تحول بنیادین نوعی گفتمان علم و دین قابل شناسایی است. این گفتمان، از یک سو بر عقلانیت و دانش‌ورزی تأکید دارد و از سوی دیگر، به مبانی دینی و الهی در تربیت وفادار می‌ماند. چنین توازنی برای آینده‌پژوهی تربیتی اهمیت بنیادی دارد؛ زیرا آینده‌پژوهی در سنت علمی جدید بر تحلیل داده‌ها و روندها استوار است، اما در چارچوب دینی، باید به ارزش‌ها، غایات و سنت‌های الهی نیز توجه کند. پژوهش‌های بین‌المللی نیز نشان داده‌اند که کاربرد روش‌هایی چون تحلیل لایه‌ای علّی در نظام آموزشی ایران، می‌تواند به شناسایی سناریوهای آینده و ارائه توصیه‌های سیاستی مؤثر منجر شود (اسدی و همکاران، ۱٤۰٤).

این پیوند علم و دین در سند تحول را می‌توان در نحوه مواجهه آن با دانش، فناوری و هویت نیز مشاهده کرد. از یک‌سو، سند تحول از بهره‌گیری از تجارب متراکم بشری در حوزه علم و فناوری سخن می‌گوید و از سوی دیگر، این بهره‌گیری را مقید به نظام معیار اسلامی می‌کند. تحلیل گفتمان سند نشان می‌دهد که علم در این سند به دو دسته «علم نافع» و «علم غیرنافع» تقسیم می‌شود و علم نافع، علمی است که بر اساس نظام معیار اسلامی به حیات طیبه، جامعه صالح اسلامی و جامعه عدل جهانی منجر شود. در این چارچوب، «علم نافع» به‌عنوان دال مرکزی گفتمان علمی سند تحول عمل می‌کند و سایر مفاهیم علمی در نسبت با آن معنا می‌یابند. مفاهیمی مانند «عقلانیت»، «تفکر»،

«نوآوری» و «فناوری» در ذیل این دال مرکزی و در چارچوب نظام معیار اسلامی تعریف می‌شوند (سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۷). هرچند این رویکرد، علم را از خنثایی‌زدگی خارج کرده و به آن جهت‌گیری ارزشی می‌دهد، اما ممکن است این پرسش را ایجاد کند که چه کسی یا کدام نهاد، «نافع» بودن علم را تعیین می‌کند و آیا این تعیین‌کنندگی، به محدود شدن عرصه پژوهش و نوآوری نمی‌انجامد؟ (عظیمی و قاسمی، ۱٤۰٤). پاسخ سند تحول به این پرسش، «نظام معیار اسلامی» است که به‌عنوان مرجع تشخیص، عمل می‌کند.

چنین رویکردی نشان می‌دهد که دانش در این سند، امری خنثی و بی‌غایت نیست، بلکه باید در خدمت تربیت انسانی قرار گیرد که آینده را بر پایه ارزش‌های الهی، عقلانیت و مسئولیت‌پذیری بسازد. در این چارچوب، سند تحول برخلاف رویکردهای صرفاً ابزاری به علم، بر «دانش ضمنی» و «فرهنگ‌پذیری علمی» تأکید دارد؛ به این معنا که علم نه فقط به‌عنوان مجموعه‌ای از اطلاعات، بلکه به‌عنوان بخشی از هویت و فرهنگ فرد و جامعه تلقی می‌شود و فرایند علم‌آموزی، فرایندی ارزشی و هویتی است (سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۷). بنابراین، آینده‌پژوهی تربیتی نه در تعارض با دین، بلکه در امتداد منطق دینیِ تدبیر، برنامه‌ریزی و ساخت آینده قرار می‌گیرد. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های معتبر بین‌المللی که بر اهمیت تحلیل لایه‌ای علّی در مطالعات آینده‌پژوهی نظام‌های آموزشی تأکید دارند، همسو است (میرزائی فتح‌آبادی و همکاران، ۱٤۰٤).

سند تحول به‌مثابه محصول آینده‌پژوهی

یکی از یافته‌های مهم این پژوهش، همسویی سند تحول بنیادین با رویکرد آینده‌پژوهانه است. پژوهش عظیمی و قاسمی (۱٤۰٤) نشان می‌دهد که این سند، مهم‌ترین سند سیاست‌گذاری نظام تعلیم و تربیت کشور است و اهداف آموزش و پرورش را در پیوند با چشم‌اندازهای آینده تعیین می‌کند. این مقاله با استفاده از روش تحلیل لایه‌ای علّی نشان می‌دهد که سند تحول در چهار سطح ظاهری، ساختاری، گفتمانی و استعاری قابل تحلیل است و آینده آن در جدال میان معرفت بازتاب‌یافته در سند و سایر معرفت‌های موجود پیرامون آموزش و پرورش، قابل شناسایی است. این جدال معرفتی، نشان‌دهنده آن است که سند تحول در فضایی از تکثر گفتمان‌ها و رقابت میان نهادها و بازیگران مختلف تدوین شده است و آینده آن به تعامل یا تقابل این نیروها بستگی دارد. عظیمی

و قاسمی (۱٤۰٤) سه سناریو را برای آینده سند ترسیم می‌کنند: افزایش تضاد و کشمکش میان گفتمان‌ها، توافق بر سر بازتعریف مفاهیم سند، و تدوین سندی جدید مبتنی بر تکثر معرفت‌ها. پژوهش‌های بین‌المللی نیز با استفاده از تحلیل لایه‌ای علّی، سناریوهای مشابهی را برای آینده نظام آموزشی ایران ترسیم کرده‌اند که مؤید این یافته‌هاست (اسدی و همکاران، ۲۰۲۵).

از سوی دیگر، مقاله «سند تحول بنیادین محصول آینده‌پژوهی» (انصاری و قرایی اسگویی، بی‌تا) تصریح می‌کند که این سند را می‌توان نتیجه نوعی آینده‌نگری در سطح سیاست‌گذاری آموزشی دانست. سند تحول با افق ۱٤۰٤ (۱٤ ساله) طراحی شده است و هدف آن ترسیم ایران با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه است. این افق‌گذاری بلندمدت، خود نشانه‌ای از رویکرد آینده‌پژوهانه در تدوین سند است. با بررسی مقدمه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) این‌گونه برمی‌آید که افق‌گذاری سند در سال ۱٤۰٤، آن را به سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران پیوند می‌زند و نشان می‌دهد که تحول در نظام تعلیم و تربیت، بخشی از برنامه‌ای کلان برای آینده کشور تلقی شده است. پژوهش‌های جدید نیز نشان داده‌اند که اجرای سند تحول با چالش‌هایی نظیر ناهماهنگی با نیازهای واقعی مدارس، مشارکت محدود معلمان و سایر ذی‌نفعان، و کاستی‌های زیرساختی مواجه است (میرزائی فتح‌آبادی و همکاران، ۱٤۰٤).

این یافته‌ها از نظر تحلیلی بسیار مهم‌اند؛ زیرا نشان می‌دهند که سند تحول بنیادین تنها یک متن هنجاری نیست، بلکه بر پایه نوعی اندیشه آینده‌پژوهانه شکل گرفته است. از این رو، خوانش قرآنی از آینده‌پژوهی می‌تواند به فهم عمیق‌تر اهداف و ساختار این سند کمک کند. به‌ویژه اگر آن را با مفاهیمی چون حیات طیبه، تربیت تمام‌ساحتی و ساختار وجودی انسان در قرآن پیوند دهیم، سند تحول بنیادین به‌مثابه طرحی برای آینده تربیت اسلامی در ایران آشکار می‌شود. پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه تحلیل بازیگرمحور نیز نشان می‌دهد که اگرچه سند تحول از نظر محتوایی با آینده‌پژوهی قرآنی همسو است، اما در سطح اجرا با چالش‌های جدی از سوی نهادها و بازیگران مختلف مواجه است. بررسی‌های اخلاقی و همکاران (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که عدم انسجام نهادی میان بازیگران کلیدی، یکی از موانع اصلی تحقق اهداف سند در افق پیش‌روست.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. هدف پژوهش، تحلیل مفهومی و تطبیقی نسبت میان آینده‌پژوهی تربیتی از منظر قرآن و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است؛ بنابراین، پژوهش حاضر نه یک مطالعه تجربی، بلکه یک تحلیل مفهومی و تطبیقی است که هدف آن استخراج دلالت‌های تربیتی از متون مرجع می‌باشد.داده‌های پژوهش از سه دسته منبع اصلی استخراج شده‌اند: نخست، منابع قرآنی و پژوهش‌های ناظر به آینده‌پژوهی در آموزه‌های دینی که در آن مفاهیم کلیدی مانند «غد»، «تدبیر»، «تقوا»، «امید»، «سنت‌های الهی» و «عبرت» در قرآن کریم شناسایی و تحلیل شده و از پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه آینده‌پژوهی دینی بهره گرفته شده است؛ دوم، متن رسمی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مبانی نظری آن که به‌عنوان مهم‌ترین متن سیاستی نظام تعلیم و تربیت کشور، به‌طور کامل بررسی و مفاهیم مرتبط با آینده‌نگری تربیتی از آن استخراج شده است؛ و سوم، مقالات علمی مرتبط با انسان‌شناسی قرآنی، حیات طیبه و نسبت علم و دین در سند تحول بنیادین که پژوهش‌های معتبر در حوزه‌های مذکور، به‌ویژه آن‌هایی که به تطبیق میان مبانی قرآنی و سند تحول پرداخته‌اند، مورد استفاده قرار گرفته است.

انتخاب منابع به‌صورت هدفمند انجام شده است. برای افزایش دقت و شفافیت، معیارهای ورود و خروج منابع به‌صورت زیر تعیین گردید:

جدول ۱. جدول معیارهای ورود و خروج منابع

معیار	ملاک ورود	ملاک خروج
ارتباط موضوعی	ارتباط مستقیم با مفاهیم کلیدی پژوهش (ینده‌پژوهی تربیتی، انسان‌شناسی قرآنی، حیات طیبه، ساحت‌های تربیتی، سند تحول بنیادین)	منابعی که تنها ارتباط غیرمستقیم یا حاشیه‌ای با موضوع داشتند
نوع منبع	آیات قرآن، سند تحول بنیادین و مبانی نظری آن، مقالات علمی-پژوهشی داوری‌شده، تفاسیر معتبر و اسناد رسمی	منابع غیرعلمی، وبلاگ‌ها، گزارش‌های فاقد اعتبار علمی و منابع قدیمی بدون ارتباط تحلیلی
اعتبار علمی	مقالات منتشرشده در نشریات معتبر علمی-پژوهشی، کتاب‌های تخصصی و اسناد رسمی نهادهای سیاست‌گذار	منابع فاقد داوری علمی یا فاقد استنادپذیری
بازه زمانی	منابع مرتبط با بازه زمانی تدوین و اجرای سند تحول (۱۳۹۰ به بعد) و پژوهش‌های جدیدتر	منابعی که صرفاً به دوره‌های پیش از تدوین سند محدود بودند و فاقد قابلیت تطبیق بودند.

بدین معنا که از میان منابع موجود، آثاری انتخاب شده‌اند که بیشترین ارتباط مستقیم را با مفاهیم کلیدی پژوهش داشته باشند و از اعتبار علمی و غنای محتوایی برخوردار باشند.

در این پژوهش، برای تحلیل داده‌ها از تحلیل محتوای کیفی برای استخراج مفاهیم از متون استفاده شده است. همچنین برای واکاوی لایه‌های پنهان معنا در سند تحول، از تحلیل لایه‌ای علّی بهره گرفته شده است. در چارچوب این روش، سند تحول بنیادین در چهار سطح مورد بررسی قرار گرفت: سطح ظاهری (گزاره‌ها و ادعاهای آشکار)، سطح ساختاری (ساختارها، نهادها و سازوکارها)، سطح گفتمانی (مفروضات ارزشی و جهان‌بینی حاکم) و سطح استعاری (استعاره‌ها و تصاویر بنیادین). این تحلیل امکان فهم عمیق‌تر از نسبت میان آینده‌پژوهی قرآنی و سند تحول را فراهم آورد (عظیمی و قاسمی، ۱٤۰٤؛ اسدی و همکاران، ۱٤۰٤). برای بررسی دقیق‌تر موانع ساختاری و قانونی اجرای سند تحول، از گزارش کاکوجویباری (۱۳۹۰) در خصوص الزامات اجرایی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش استفاده شده است. این گزارش که توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تهیه شده، به بررسی نیازهای قانونی، اجرایی و زیرساختی پیش‌روی اجرای سند پرداخته است.

برای شفاف‌سازی فرایند تحلیل داده‌ها، کدگذاری در سه مرحله و در چارچوب تحلیل محتوای کیفی انجام شد. در مرحله نخست، آیات و بخش‌های مرتبط از قرآن کریم و سند تحول بنیادین استخراج شد. سپس مفاهیم کلیدی به‌صورت کدهای اولیه (مانند تدبیر، امید، مسئولیت، حیات طیبه و تربیت تمام‌ساحتی) مشخص شد. در مرحله بعد، کدهای مشابه در قالب مقوله‌های فرعی دسته‌بندی شدند و در نهایت، مقوله‌های اصلی آینده‌پژوهی تربیتی شامل «اراده و کنش آگاهانه»، «تدبیر»، «امید»، «سنت‌های الهی» و «حیات طیبه» استخراج و مبنای تحلیل تطبیقی قرار گرفتند. جدول ۲ نمونه‌ای از این فرایند را نشان می‌دهد.

جدول ۲. فرایند کدگذاری و استخراج مقوله‌های اصلی آینده‌پژوهی تربیتی از قرآن کریم و سند تحول بنیادین

مقوله اصلی	مقوله فرعی	کد اولیه	متن یا آیه
تدبیر	آینده‌نگری	توجه به آینده	«وَ لْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ» (حشر: ۱۸)
	برنامه‌ریزی	سنجش پیامدها	قرآن بر تعقل و تدبر در عواقب کارها تأکید دارد.

مقوله اصلی	مقوله فرعی	کد اولیه	متن یا آیه
اراده و کنش آگاهانه	مسئولیت انسان	تغییر وابسته به انسان	إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (رعد: ۱۱)
	عاملیت انسانی	پاداش و کیفر اعمال	«كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» (مدثر: ۳۸)
یادگیری برای آینده	عبرت‌آموزی	درس گرفتن از گذشته	«فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ» (حشر: ۲)
	بصیرت تاریخی	مطالعه سرنوشت پیشینیان	داستان‌های اقوام در قرآن
آینده‌پژوهی تربیتی	هدف نهایی تربیت	غایت تربیت	تأکید سند تحول بر «حیات طیبه» (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰)
	رشد متعالی	هدایت به سوی کمال	«لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین: ٤)
تربیت تمام‌ساحتی	ابعاد تربیت	تربیت جامع	تأکید سند بر «ساحت‌های شش‌گانه» (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰)
	انسان‌شناسی قرآنی	ساختار وجودی انسان	لایه‌های صدر، شِغاف، قلب و فؤاد در قرآن (کیانی و همکاران، ۱٤۰۰)

منطق تحلیل بر پایه تطبیق میان «مبنای نظری» و «صورت سیاستی» بنا شده است؛ به این معنا که قرآن کریم به‌عنوان منبع هنجارگذار و معرفت‌بخش، مبانی آینده‌پژوهی تربیتی را فراهم می‌آورد و سند تحول بنیادین به‌مثابه متن سیاستی، این مبانی را در قالب اهداف، ساحت‌ها و غایات تربیتی صورت‌بندی می‌کند (سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۷؛ عظیمی و قاسمی، ۱٤۰٤). برای افزایش روایی پژوهش، از منابع معتبر و به‌روز، مقالات داوری‌شده، تفاسیر معتبر و مقایسه یافته‌های منابع مختلف استفاده شد و پایایی پژوهش نیز از طریق شفاف‌سازی معیارهای انتخاب منابع، نظم در فرایند تحلیل و اتکای استنباط‌ها بر شواهد مستند تأمین شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میان آینده‌پژوهی قرآنی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش،

در سه سطح غایت، مبنا و روش، نوعی هم‌افقی وجود دارد. این هم‌افقی نه‌تنها در اهداف مشترک و مبانی انسان‌شناختی، بلکه در نگاه هر دو رویکرد به فرایند تربیت و چگونگی مواجهه با آینده نیز آشکار می‌شود.

در سطح غایت، نقطه اشتراک این دو رویکرد، توجه به تربیت انسان متعالی و فراهم‌کردن زمینه تحقق زندگی مطلوب است. در نگاه قرآن کریم، «حیات طیبه» غایت اصلی تربیت انسان به‌شمار می‌رود؛ صورتی از زیست انسانی که ایمان، عمل صالح، عدالت و معنویت، مؤلفه‌های بنیادین آن را تشکیل می‌دهند (نحل: ۹۷). سند تحول بنیادین نیز با قراردادن حیات طیبه و قرب الی الله در جایگاه اهداف نهایی نظام تعلیم و تربیت، همین جهت‌گیری را بازتاب می‌دهد (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ۸). از این رو، هر دو رویکرد تربیت را فراتر از انتقال دانش و مهارت می‌فهمند و آن را در مسیر رشد همه‌جانبه و تعالی وجودی انسان تعریف می‌کنند.

در سطح مبنا، بررسی تطبیقی ساختار وجودی انسان در قرآن کریم و ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول، امکان برقراری پیوند میان این دو را نشان می‌دهد. بر اساس ساختار چهارلایه‌ای انسان در قرآن (صدر، شِغاف، قلب و فؤاد)، لایه قلب و فؤاد بیش از همه با ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی پیوند می‌خورد؛ زیرا تقویت ایمان، یقین، تفکر و ذکر، در شکل‌گیری و تعالی این لایه نقشی اساسی دارد (کیانی و همکاران، ۱٤۰۰). لایه شِغاف و حالات مرتبط با آن، مانند حب، بغض، تولی و تبری، با ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی قابل تطبیق است. قوای عقلیه، فکریه، ذکریه و لبایه نیز که در پیوند با لایه‌های قلب و فؤاد مطرح می‌شوند، زمینه ارتباط با ساحت تربیت علمی و فناورانه را پدید می‌آورند. لایه صدر، با توجه به حالات شرح و ضیق و نقش قوه خیال، با ساحت زیبایی‌شناختی و هنری هم‌سو می‌شود. افزون بر این، مفاهیم قلب سلیم و قلب مریض، از منظر آثار و پیامدهای تربیتی‌شان، با ساحت‌های زیستی و بدنی و نیز اقتصادی و حرفه‌ای قابل بررسی و تطبیق است (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ٦؛ مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی ج.ا.ا.، ۱۳۹۰، ۱۵۷–۱۵۸).

حاصل این مقایسه آن است که ساحت‌های تربیتی را نمی‌توان مستقل از ساختار وجودی انسان در نظر گرفت؛ بلکه رشد و تعالی هر ساحت، به پرورش ابعاد وجودی متناظر با آن وابسته است. از

این‌رو، تربیت مطلوب زمانی امکان‌پذیر می‌شود که انسان به‌مثابه موجودی چندبعدی و دارای ساختاری به‌هم‌پیوسته دیده شود.

در سطح روش نیز میان آینده‌پژوهی قرآنی و رویکرد تربیتی سند تحول بنیادین قرابتی چشمگیر دیده می‌شود. آینده‌پژوهی قرآنی بر این بنیاد استوار است که آینده در افق انسانی با عدم قطعیت همراه است و انسان، از رهگذر اراده، انتخاب و کنش آگاهانه، در ساخت آن نقش دارد. امید به آینده و ضرورت تدبیر و برنامه‌ریزی، در کنار باور به حاکمیت سنت‌های الهی بر تحولات تاریخی و اجتماعی، از اصول اساسی این رویکرد به‌شمار می‌روند (علویان و حلیمی جلودار، ۱۳۹۳). سند تحول نیز آنگاه که تعلیم و تربیت را «فرایندی تعالی‌جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی» تعریف می‌کند، در واقع همین نگاه را بازتاب می‌دهد (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ٦). به بیان دیگر، در هر دو رویکرد، تربیت فرایندی ایستا و ازپیش‌تعیین‌شده نیست، بلکه مسیری مستمر است که با آگاهی، انتخاب و مشارکت انسان پیوند دارد.

از منظر آینده‌پژوهی، برای ترسیم مسیر پیش‌روی سند تحول بنیادین می‌توان سه سناریوی اصلی را در نظر گرفت: افزایش تضادها، بازتعریف مفاهیم سند و تدوین سندی جدید (عظیمی و قاسمی، ١٤٠٤). بررسی این سناریوها در پرتو اصول قرآنی، به‌ویژه امید، تدبیر و مسئولیت‌پذیری انسان، نشان می‌دهد که بازتعریف مفاهیم سند با مشارکت ذی‌نفعان مختلف، سازگاری بیشتری با مبانی معرفتی قرآن دارد؛ سناریویی که ضمن حفظ چارچوب و جهت‌گیری‌های اصلی سند، امکان بازنگری در مفاهیم و انطباق آن‌ها با شرایط و اقتضائات تازه را فراهم می‌کند.

در مجموع، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم می‌تواند به‌عنوان پشتوانه معرفتی و هنجاری آینده‌پژوهی در حوزه تعلیم و تربیت مورد توجه قرار گیرد و سند تحول بنیادین نیز ظرفیت آن را دارد که این نگرش را در قالب سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های اجرایی نظام آموزش و پرورش بازتاب دهد. به بیان دیگر، اگر قرآن مبانی معرفتی و غایت‌شناختی آینده‌پژوهی تربیتی را فراهم می‌آورد، سند تحول می‌تواند ظرف اجرای این آینده‌نگری باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

برآیند یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آینده‌پژوهی قرآنی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

در سه سطح غایت، مبنا و روش با یکدیگر هم‌افق‌اند. این هم‌افقی بیانگر آن است که قرآن کریم می‌تواند پشتوانه معرفتی و هنجاری آینده‌پژوهی تربیتی باشد و سند تحول بنیادین ظرفیت آن را دارد که این مبانی را در قالب سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی نظام تعلیم و تربیت بازتاب دهد.

تفاوت اساسی میان این دو آن است که قرآن منبع قدسی و بنیادین هنجارهاست، در حالی که سند تحول صورت‌بندی سیاستی و اجرایی آن هنجارها در نظام آموزشی کشور است. از این‌رو، آینده‌پژوهی تربیتی از منظر قرآن می‌تواند پشتوانه نظری سند تحول باشد و سند تحول نیز ظرف اجرای این آینده‌نگری را فراهم آورد.

با وجود این هم‌افقی نظری، اجرای سند تحول با چالش‌های جدی مواجه است. سه سناریوی افزایش تضاد، بازتعریف مفاهیم و تدوین سند جدید برای آینده سند قابل تصور است که از میان آن‌ها، سناریوی بازتعریف مفاهیم با مشارکت همه ذی‌نفعان، سازگاری بیشتری با اصول قرآنی چون امید، تدبیر و مسئولیت‌پذیری دارد.

پژوهش حاضر نشان داد که تحقق آینده‌پژوهی تربیتی قرآنی در چارچوب سند تحول، نیازمند بازنگری در نمادها و گفتمان‌های حاکم، اصلاحات ساختاری و ایجاد مشارکت واقعی میان همه بازیگران نظام تعلیم و تربیت است. در این میان، معلمان و خانواده‌ها نقش محوری دارند و بدون مشارکت فعال آن‌ها، هرگونه راهکار ناقص خواهد بود.

یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج برخی پژوهش‌های پیشین هم‌سو و در عین حال مکمل آن‌هاست. پژوهش کیانی و همکاران (۱٤۰۰) ساختار چندلایه وجودی انسان در قرآن را با ساحت‌های شش‌گانه سند تحول تطبیق داده بود و یافته‌های این پژوهش آن نتیجه را تأیید و تقویت می‌کند. پژوهش سپیدنامه و همکاران (۱۳۹۷) نیز بر بازتعریف گفتمان علمی در چارچوب نظام معیار اسلامی تأکید داشت که با نتایج پژوهش حاضر هم‌راستاست. از سوی دیگر، پژوهش عظیمی و قاسمی (۱٤۰٤) سه سناریو برای آینده سند ترسیم کرده بود؛ پژوهش حاضر با پیوند دادن این سناریوها به اصول قرآنی (امید، تدبیر و مسئولیت‌پذیری) نشان داد که سناریوی بازتعریف مفاهیم با مشارکت ذی‌نفعان، سازگاری بیشتری با مبانی معرفتی قرآن دارد. این پیوند، نوآوری اصلی پژوهش نسبت به کارهای پیشین محسوب می‌شود. پژوهش اخلاقی و همکاران (۱۳۹۹) نیز بر عدم انسجام

نهادی میان بازیگران تأکید کرده بود، که یافته‌های این پژوهش با برجسته‌کردن نقش معلمان و خانواده‌ها، آن را تکمیل می‌کند.

به‌طور کلی، قرآن کریم پشتوانه معرفتی و هنجاری آینده‌پژوهی تربیتی است و سند تحول بنیادین صورت‌بندی سیاستی و اجرایی این نگاه را فراهم می‌آورد. این نتیجه ضمن هم‌سویی با پژوهش‌های پیشین، با تأکید بر خوانش قرآنی از آینده‌پژوهی و پیوند آن با سناریوهای آینده سند، نوآوری‌هایی نسبت به آن‌ها دارد.

بر اساس یافته‌های پژوهش و با الهام از روش تحلیل لایه‌ای علّی، اقدامات زیر در چهار سطح پیشنهاد می‌شود. این پیشنهادها بر اساس نتایج تحلیل تطبیقی در سه سطح غایت، مبنا و روش و همچنین تحلیل لایه‌ای علّی سند تحول تدوین شده‌اند و هر سطح از آن‌ها ناظر به یکی از لایه‌های شناسایی‌شده در تحلیل است و در پی رفع فاصله میان آرمان‌های سند و واقعیت‌های اجرایی آن برمی‌آید:

۱. در سطح نماد و استعاره: بازتعریف و ترسیم نماد حیات طیبه به‌شکل عینی، ملموس، جذاب و قابل‌دست‌یابی، یا ارائه نمادی از وضع مطلوب به‌گونه‌ای که از نمادی ویژه و موردقبول گروهی خاص فراتر رفته و به نمادی عام و موردقبول عموم ذی‌نفعان تبدیل شود. همچنین تلاش برای بازنمایی و ترسیم نماد دانش‌آموز مؤمن به‌گونه‌ای که دربرگیرنده سایر گفتمان‌ها و برای حامیان آن‌ها نیز جذاب و دارای کشش باشد.

۲. در سطح باور و گفتمان: فراتر رفتن از تأکید بر گفتمانی خاص و تلاش برای ایجاد و مسلط‌کردن گفتمانی تکثرگرا که امکان همگرایی گفتمان‌های مختلف (سنّت‌گرا، مقاومت، موفقیت و معیشت) را فراهم کند و موردتوافق طرفداران گفتمان‌های موجود باشد. این امر مستلزم گفت‌وگوی جدی میان متولیان سند، معلمان، خانواده‌ها و دانش‌آموزان است.

۳. در سطح اجتماعی (ساختاری): اصلاحات ساختاری و ساختارسازی برای برون‌رفت از ساختارهای متمرکز به‌سوی ایجاد ساختارهای مشارکتی، به‌گونه‌ای که بتواند بین بازیگران و کنشگران مختلف (دولت، خانواده‌ها، معلمان و دانش‌آموزان) ارتباط و پیوند ایجاد کند و آن‌ها را در یک مسیر و برای رسیدن به هدفی واحد، همگرا و هم‌افزا کند. این امر با رویکرد حکمرانی شبکه‌ای و مشارکتی قابل تحقق است.

٤. در سطح عینی و قابل‌مشاهده: فراهم‌کردن امکانات و ابزارهای لازم برای مدیریت در برای رفع بحران‌های کیفیت، عدالت و مشروعیت آموزشی؛ تلاش برای ایجاد مشارکت معرفت‌های مختلف برای شکل‌گیری یک معرفت جدید که خود را متعهد و ملزم به تلاش برای حل بحران‌های عدالت، کیفیت و مشروعیت بداند. این امر مستلزم تأمین منابع مالی، تجهیزات و نیروی انسانی متخصص و متعهد است.

در نهایت، تحقق آینده‌پژوهی تربیتی قرآنی در چارچوب سند تحول بنیادین، نیازمند عزم ملی، همکاری میان‌بخشی و مشارکت همه ذی‌نفعان است. بدون این موارد، سند تحول همچنان به‌عنوان متنی آرمانی و دست‌نیافتنی باقی خواهد ماند و فاصله میان آرمان‌ها و واقعیت‌های اجرایی، روزافزون خواهد شد. آینده‌پژوهی تربیتی قرآنی، با تأکید بر امید، تدبیر و مسئولیت‌پذیری، می‌تواند افق روشنی برای خروج از این وضعیت و حرکت به‌سوی تحقق حیات طیبه در نظام تعلیم و تربیت کشور ترسیم کند.

منابع

اخلاقی، ازیتا، صالح صدق‌پور، بهرام و نوید ادهم، مهدی (۱۳۹۹). آینده‌پژوهی اجرای اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در افق ۱٤۰٤. *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، *۱۰*(۳٤)، ٥٦-۸۱.

اسدی، محمد، غلامی، خلیل، سلیمی، جمال و خرسندی‌طاش، علی (۱٤۰٤). تحلیل لایه‌ای علّی دیپلماسی دانش و سناریوهای رهبری آینده در نظام آموزش و پرورش ایران .*مدیریت مدرسه*، *۱۳*(۱)، ۱۰۹- ۱۳۰. https://doi.org/10.22034/jsa.2025.141358.2577

انصاری، هادی و قرایی اسگویی، مهری (۱۳۹۷). سند تحول بنیادین محصول آینده‌پژوهی. *کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی-اجتماعی*، خرداد ۱۳۹۷.

حسام، فرحناز و بیات، موسی (۱۳۹۷). بررسی «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. *گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی*، شماره مسلسل ۱٦۱٥٥.

سپیدنامه، بهروز، فراستخواه، مقصود و رحمانی، جبار (۱۳۹۷). گفتمان علم و دین در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. *مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی*، ٦(٤)، ۹-۳٤.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰). برگرفته از https://sce.ir/

عظیمی، سیدهادی و قاسمی، حاکم (۱٤۰٤). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش؛ آینده‌پژوهی و چشم‌اندازهای پیش رو. *مطالعات راهبردی فرهنگ*، *۵*(٤)، ۱۰۱-۱۳۱. https://doi.org/10.22083/scsj.2025.495303.1244

علویان، مرتضی و حلیمی جلودار، حبیب‌الله (۱۳۹۳). آینده‌پژوهی از منظر آموزه‌های دینی. *مطالعات فهم قرآن*، ۳(۲)، ۱۲۷-۱٤۰. https://doi.org/10.22080/qhs.2014.1514

قراباغی، محمدهادی و طرقی، مجید (۱٤۰٤). دلالت های انسان‌شناسی تربیتی قرآنی بر اصول تربیت اعتقادی. *مطالعات فقه تربیتی*، *۱۲(۲٤)*، *۷-۲۳*. https://doi.org/10.22034/mft.2026.21649.1467

کاکوجویباری، علی‌اصغر (۱۳۹۰). *الزامات اجرایی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

کیانی، زهرا، ابوالمعالی الحسینی، خدیجه و باقری، فریبرز (۱٤۰۰). ساختار وجودی انسان در قرآن و کاربرد

آن در ساحات تربیتی مبتنی‌بر سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲۹ (۵۰)، ۱۳۵-۱۷۵.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱٤۰۱). *انسان‌شناسی در قرآن* (مجموعه کتب آموزشی معارف قرآن ۳). تنظیم و تدوین محمود فتحعلی، چاپ نهم، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

میرزائی فتح‌آبادی، سعیده، زمانی مقدم، افسانه و قورچیان، نادرقلی (۱٤۰٤). آینده‌پژوهی آموزش در ایران پس از *اجرای* مرحله اول سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. *آینده‌پژوهی ایران*، ۱۰(۲)، ۱۵۹–۱۸۷. https://doi.org/10.30479/jfs.2025.22043.1633

نساج، مریم و همتی، عصمت (۱٤۰۲). میزان همسویی داستان‌های آموزش قرآن دوره ابتدایی با ساحت‌های تربیت. *پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی*، ٤(٤)، ۱۰۹-۱۲۹.

وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۰). *مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.

References

Akhlaghi, A., Saleh, B. & Navidadham, M. (2020). Future study of Impelemantation of Education Nationl Policy in Horizon 1404. *Strategic Studies of Public Policy*, *10*(34), 56–80. (In persian)

Alavian, M. & Halimi Jelodar, H. (2014). Futures studies from the perspective of religious teachings. *Quranic Understanding Studies*, *3*(2), 127–140. doi: 10.22080/qhs.2014.1514. (In persian)

Ansari, H. & Qaraei Osgouei, M. (2018). The fundamental transformation document as a product of futures studies. *National Conference on New Global Achievements in Education, Psychology, Law, and Cultural-Social Studies*, Khordad 1397 (May-June 2018). (In persian)

Asadi, M., Gholami, K., Salimi, J. & Khorsandi Taskoh, A. (2025). A causal layered analysis of knowledge diplomacy and future leadership scenarios in the Iranian Education System. *School Administration*, *13*(1), 109-130. doi: 10.22034/jsa.2025.141358.2577. (In persian)

Azimi, S. & Ghasemi, H. (2025). Fundamental Transformation Document of Education and Training; Futures Studies and Future Prospects. *Strategic Studies of Culture*, *5*(4), 101–131. https://doi.org/10.22083/scsj.2025.495303.1244. (In persian)

Gharabaghi, M. H. & Toroghi, M. (2026). Qur'anic educational anthropological implications for the principles of faith education. *Educational Jurisprudence Studies*, *12*(24), 7-23. doi: 10.22034/mft.2026.21649.1467. (In persian)

Gharabaghi, M. H. & Toroghi, M. (2026). Qur'anic educational anthropological implications for the principles of faith education. *Educational Jurisprudence Studies*, *12*(24), 7-23. doi: 10.22034/mft.2026.21649.1467. (In persian)

Hesam, F. & Bayat, M. (2018). A review of the Fundamental transformation document of education. *Expert Reports of the Research Center of the Islamic Consultative Assembly*, Serial No. 16155. (In persian)

Kakojoybari, A. A. (2011). *Executive Requirements of the Fundamental Transformation Document of Education*. Tehran: Research Center of the Islamic Consultative Assembly. (In persian)

Kiaei, Z., Bagheri, F. & Abolm'ali Al-Hosseini, K. (2021). Human natural structure in the Holy Qur'an and its application in educational fields on the basis of the fundamental transformation of education document. *Research in Islamic Education Issues*, *29*(50), 135–175. (In persian)

Mesbah Yazdi, M. T. (2022). *Anthropology in the Qur'an (Educational Textbook Series on Qur'anic Teachings 3)*. Arranged and edited by Mahmoud Fathali, 9th ed., Qom: Publications of the Imam Khomeini Educational and Research Institute. (In persian)

Ministry of Education (2011). *Theoretical foundations of fundamental transformation in the official public Education System of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Secretariat of the Supreme Council of Education. (In persian)

Mirzaei, S., Zamani Moghadam, A. & Ghorchian, N. G. (2026). Futures Studies of Education in Iran Following the Implementation of the First Phase of the Fundamental Reform Document of Education. *Journal of Iran Futures Studies*, *10*(2), 159–187. https://doi.org/10.30479/jfs.2025.22043.1633. (In persian)

Nassaj, M. & Hemmati, E. (2023). The degree of alignment of qur'an education stories in the elementary school with the domains of education. *Research in Islamic Education and Training*, *4*(4), 109–129. (In persian)

Sepidnameh, B., Farasatkhah, M. & Rahmani, J. (2018). The discourse of science and religion in the fundamental transformation document of education. *Social-Cultural Development Studies*, *6*(4), 9–34. (In persian)

The Fundamental Transformation Document of Education (2011). Retrieved from https://sce.ir/ (In persian)